

سینما
ادبیات

فرہنگ کوچک و حشت

سید حسن حسینی

چاپ دوم



آدامس، آل (۱۹۹۵-۱۹۱۹)

Adamson, Al

کارادین، جان (۱۹۸۸-۱۹۰۶)

Carradine, John

آدامس، کارگردان پرکار فیلم‌های کم‌هریبه در ژانرهای مختلف، که او ح کارش در دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود، گرچه همچون ادوود به عنوان یکی از فیلم‌سازان رده Z شناخته می‌شود، ولی در سال ۱۹۷۳ توانست حایره «امی» را برای تهیه فیلم تلویزیونی **فریاد تجاوز** به خود اختصاص دهد. کمبود بودجه و امکانات، بسیاری وقت‌ها او را ناگیر می‌ساخت تا فیلمش را با نام‌های آرشیوی و صحنه‌های فیلم‌های دیگر پر کند، اما او با آگاهی از ضعف‌ها و محدودیت‌های حویش، به طور معمول (به تعبیر **کیم بیومی**) ناچند «چشمک خودآگاهانه وار هولی» می‌کوشید بر نقایص فیلمش سرپوش نگذارد. بازیگران فیلم‌های او معمولاً از بین چهره‌های ار رده حارح شده‌ای چون **جان کارادین** و **لان چیبی حوییر**، **راس تاملین** و **اسکات بریدی** یا «ستاره بعد از این»هایی انتخاب می‌شدند که بر حلاف وعده‌های ارا نه شده در تبلیغات فیلم‌ها، هیچ‌یک بدل به چهره‌های مشهور نشدند (ویکی ولانته، رابرت دیکس، کنت تیلر، جان بلوم). مهارت فیلم‌برداران حوانی که بعداً بدل به چهره‌های صاحب‌نام هالیوود در این عرصه شدند (مهاجران در آن زمان گم‌نام‌وسی کاری چون **ویلیموش ژینگموند** و **لاسلو کوواکس**)، به کار پوشاندن ضعف‌های ناشی از تولید فقیرانه این فیلم‌ها می‌آمد. نه این مجموعه ناید این‌ها را هم افروود حصور همسر **آدامس**، **رحیبا کارول** در نقش قهرمان رن این آثار، صحنه‌های

برداشته شده از فیلم‌های قدیمی فلیپینی و تمایل عریب کارگردان برای در هم آمیختن عناصری از ژانرهای مختلف فیلم‌های ترساک یوبیورسال، وسترن‌های قدیمی رده «ب»، فیلم‌های حادثه‌ای بوحوانان موتورسوار، تریلرهای روانی و کم‌دی‌های «برن‌کوب» برادران ریتس

تولید فیلم‌های آدامسن، رمایی دراز - گاهی اوقات تا پنج سال - به طول می‌انجامد و معمولاً صحنه‌هایی جداگانه را نادیده می‌گیرد و در نظر گرفته می‌شود و امکاناتش آماده می‌گردد تا بعداً با پیوند دادن آن‌ها به یکدیگر، صاحب فیلمی کامل شود. در این فاصله گاه طرح داستانی اولیه تغییر می‌یافت یا به کلی فراموش می‌شد. به این ترتیب ممکن بود یک فیلم حادثه‌ای موتورسوار، در گذر زمان و با تغییر دایره تماشاچیان، نامحصر تغییراتی در داستان، به تریلری روانی بدل شود! (عناوین چندین و چندگانه فیلم‌های آدامسن هم‌ریشه در همین شیوه تولید دارند) به عنوان نمونه می‌توان به حون ترس مهوع (۱۹۷۱) اشاره کرد. آدامسن ساختن این فیلم را در ۱۹۶۵ با عنوان روانی لحتی با داستانی درباره تعدادی سارق جواهر آغاز کرد که می‌کوشد کنترل یکی از کهنه‌سربازان حگ ویتنام را چون یک زنات به دست گیرد. در ۱۹۶۹، صحنه‌های تازه به فیلم افزوده شد و نامش به هیولایی نامعرا الکترونیکی تغییر یافت. در ۱۹۷۱، صحنه‌هایی دیگر هم به فیلم اضافه شد و این بار نام آن به حون ترس مهوع بدل شد. در این زمان، داستان فیلم هم به چیری متفاوت تبدیل شده بود و ماجرای دانشمندی را روایت می‌کرد که یک رامی را برای نابود ساختن دانشمندی دیگر - که پیش‌تر، پسر او را قربانی طرح خویش برای انداع نوعی معر مصوعی ساخته - به خدمت می‌گیرد. فیلم‌برداری این فیلم را ژیگموند به عهده داشت و بازیگرانش، حرر حیا کارول، از چهره‌های شناخته شده، کارادین و تامی کرک (بازیگر کم‌دی‌های بوحوانانه ساحلی دهه ۱۹۶۰) و وار حوانان حویای نام، کنت تیلر بودند.

حون قصر دراکولا (۱۹۶۹) داستان گنت و کتس تاوبرید حون آشام (الکس داریسی و پالاریموند) را نامی گوید که خدمتکارشان حرح (کارادین) با ترندهای گوناگون، قربانیان را به قصر آنان در صحرای «موهاوی» می‌کشاند. اما یک گرگ‌بما و همچنین روح حوانی که آن قلمرو را به ارث برده‌اند، به آن حای می‌گذارند و آن‌ها را دچار دردسر می‌کند. غالب تصاویر فیلم از وصوح لارم بر حوردار بیستند و در پایان سرهم‌بندی شده آن، تنها می‌شویم که حون آشام نابود شده - چرا که کمبود امکانات، ساخت چنین صحنه‌ای را ناممکن کرده بود. آدامسن تولید ده ساله‌ای بر این فیلم با عنوان «تابوت دراکولا» را هم برنامه‌ریزی کرده بود که سرانجامی بیافت. نیمه نخست وحشت هیولای حون ریر (۱۹۷۰) متشکل از صحنه‌های داخلی سفینه‌ای است که

سرسبیبانش چهره‌های آشای فیلم‌های آدامسن (کارادین، ولانتیه و دیکس) هستند. پس از این که سفینه بر سطح سیاره‌ای مرموز فرود می‌آید، فیلم با صحنه‌هایی برداشته شده از فیلم‌های هیولایی فلیپینی ادامه می‌یابد (که در عمل، کل صحنه‌های مربوط به سیاره ناشناخته را پوشش می‌دهد). دیگر فیلم ترساک آدامسن، پرستار شری (۱۹۷۷)، تلفیقی از فیلم‌های «تسحیر ارواح» و «هراس از حراحی»، داستان پرستاری را روایت می‌کند که حسمش به تسحیر روح یکی از بیماران در می‌آید که هنگام عمل حراحی، بر اثر حمله قلبی از پا درآمده. روح مرد، او را وامی‌دارد تا تمام دست‌اندرکاران آن حراحی بدر حرام را یک‌به‌یک از پا درآورد. در فیلم‌های آدامسن در ژانرهای دیگر در این دوره هم (که البته شیوه خاص تولید فیلم‌های آدامسن ماهیت ژانری آن‌ها را هم انعطاف‌پذیر می‌کند!) صحنه‌های بی‌پرده یا حشوت‌ناپ‌یاد آور موقعیت‌های مشابه در فیلم‌های ترساک او کم نیست. فیلم‌هایی چون سادیسیت‌های شیطان (۱۹۶۹) و فرشتگان لعنتی حهم (۱۹۷۰)، هر دو با محوریت گروه‌های حوانان موتورسوار، یا وسترن دختران حسی (۱۹۷۵) و همچین فیلم گروه‌رمان (۱۹۶۹) با ارجاعاتی به حایات گروه «مسس»^۲ که در مرعه محل زندگی این گروه فیلم‌برداری شد. آدامسن در دیگر فیلم قابل تأملش در این دوره، سیدرلا ۲۰۰۰ - با تلفیق فیلم علمی‌خیالی، فیلم موریال، فیلم‌های بی‌پرده و افسانه پریان (در قالب تصویری هجوآمیز از سیدرلا و سعیدرفی و هفت کوتوله) - به ارائه تصویری هجوآمیز از حال و هوای جامعه آمریکا در فضای متعاقب انقلاب حسی می‌پردازد. فیلم - که همچون هر فیلم علمی‌خیالی دیگری، بیش از آینده به مسائل زمان ساختش نظر دارد - در قالب عناصر جهان خیالی اش (نظام سرکونگری که روابط آراد را برمی‌تاند و آن‌ها را کنترل می‌کند، «اندرر»های پدر حوانده سیدرلا در ناب صورت آراد و روابط و صحنه‌ای که سیدرلا حاکم را در این باره قانع می‌کند) مسائل متلاویه جامعه آمریکا در دهه ۱۹۷۰ را رانرتاب می‌دهد.

حان کارادین یکی از پرکارترین بازیگران تاریخ سینماست که به گواهی منابع معتبر، در بیش از چهارصد فیلم به ایفای نقش پرداخته است! با وجود این که در عالم سینما چهره‌ای موفق بود ولی هیچ‌گاه پنهان نکرد که عشق اصلی اش تئاتر، به ویژه ایفای نقش در نمایش‌های شکسپیری است که به او امکان می‌داد تا از حرکات بدن، حالت‌های خاص چهره و صدای رسایش به نحو احسن بهره‌گیری را از دهه ۱۹۳۰ با نام حان پیتر ریچموند با ایفای نقش‌های کوتاه از جمله در آثار کارگردان‌هایی چون سیسیل ب دومیل (علامت صلیب، ۱۹۳۲، کلئوپاترا، ۱۹۳۴) و



رؤیا - پناهگاه

اینگمار برگمان و سینمایش

مسعود فراستی

چاپ دوم
ویراست جدید

سینماگران
همیشه
— ۲ —

فهرست

برگمان، به حای مقدمه

۸	فانوس خیال/ایگمار برگمان /ترحمه مهوش تاش، مسعود فراستی
۹	تصویرها/ایگمار برگمان /مهوش تاش
۱۰	پوست مار / ایگمار برگمان / بهرور تورانی
۱۲	به ایگمار برگمان /آکیرا کوروساوا
۱۳	نگارید نمایش آغار شود /ارلاند یوسفسون /وحید موسوی
۲۲	عروسک‌های حیمه شب‌ناری و ح‌ها /برحیتا استین /وحید موسوی
۲۶	محاسبه مرمور روح - موسیقی و برگمان /مایکل برد /ساسان گلهر

گم‌گوه‌ا

۴۴	مکالمه نا برگمان /اولیویه آسیایا، استیگ بیور کمان /مسعود فراستی
۸۸	پاسخ برگمان به گذار /استیگ بیور کمان /ترحمه وحید موسوی
۸۹	انتحار محص /استیگ بیور کمان /ترحمه علیرضا طاهری عراقی
۹۲	پروژه بقا گونار بار گداهل /ترحمه وحید موسوی
۹۶	تنهاراهمای من اصل لدت است /استیگ بیور کمان /ترحمه علی‌رضا طاهری عراقی
۱۰۲	اعتراف‌های یک صعترگر حوب /یان آگد /پیمان دوستدار
۱۱۰	درباره چند فیلمسار دیگر /آندره تارکوفسکی /ژان لوک گذار /فلیسی، کوروساوا، بونوئل /کحی میروگوچی
۱۱۲	برگمان و تئاتر /لیر لون مار کر /وحید موسوی
۱۲۰	سه پرسش آخر /الی هالدنر برگمان /وحید موسوی

دیدگاه‌ها

۱۲۴	زندگی درونی آدمیان /دیوید تامس /حمیدرضا احمدی لاری
۱۲۸	برگمان و حدا /حین د فیلیپس /حمیدرضا منتطری
۱۳۶	تلاش مدام اسان - برگمان دهه پحاه /حیمراف اسکات /شهراد تحریه‌چی
۱۵۲	سفر پرتلاطم /پیتر هار کورت /محمد رضا لیراوی
۱۸۶	محبیق نبش /استوارت کامیسیکی /ترحمه مهوش تاش
۲۰۴	سرماي جهان، گرمای حقیقت /هارلن کندی /آریو کیانوش
۲۱۰	دیو در آینه /همیش فورد /شهراد رحمتی
۲۲۸	پیکر تراش رویا /مسعود فراستی

نقد‌ها

۲۴۸	بر گم‌نوراما - میان‌پرده تانستانی / ژان لوک گدار / حمید موسوی
۲۵۴	برداشتی از مرگ - مهر هفتم (۱۹۵۷) / آندرو ساریس / امینا نوایی
۲۶۸	همچون شمایل‌نگاری - مهر هفتم / برمان / هولاند / اسماعیل میهن دوست
۲۷۶	حداشاسی و روانشاسی - توت‌فرنگی‌های وحشی / ریچارد ای بلیک / محمد بحفی
۲۸۶	آخرین فیلم - توت‌فرنگی‌های وحشی / احسرو دهقان
۲۸۸	آگاهی و مرگ - چشمه ناکرگی / ارایس وود / بهرور تورانی
۲۹۲	شکست و رای پیروری - چشمه ناکرگی / استلی کافمن / مهشید رمانی
۲۹۶	همچون در یک آیه و همچون در بر گمان / گوران پرسون / بهرور تورانی
۳۰۰	فیلم اعماق / پرسونا / سوران سانتاگ / مریم امینی
۳۱۸	دبیای بیرون، دبیای درون / پرسونا، شرم / ارایس وود / کامیر کاهه
۳۴۰	فیلم و فلسفه / شرم / رابرت ای لادر / محمد بحفی
۳۴۸	وحشت بیداری / ساعت گرگ و میش / کیومرث وحدانی
۳۵۶	رنگ و اسطوره - فریادها و بحواها / آدامر سیتی / کامیر کاهه
۳۶۴	آن حاتم در فیلم بر گمان - چهره به چهره / سامس رافائلس / مهشید رمانی
۳۷۶	نمایش خیال‌انگیز الکساندر / فانی و الکساندر / میسون وست / احترامی
۳۸۶	افسانه‌پرداز کوچک، تصویر تمام نمای هرمد بررگ - فانی و الکساندر / پاسکال بوبیتر / امینا نوایی
۳۹۲	رارهای مشترک / فانی و الکساندر / کامیر کاهه
۳۹۶	چهار یادداشت - فانی و الکساندر / آیدین آعداشلو
۴۰۲	مرگ و حنون - در حضور دلک / استان شوارتر / آریو کیانوش
۴۰۶	شاهکار آخر / ساراناند / فیلیپ لوپیت / آریو کیانوش
۴۱۰	وصیت‌نامه هیری - ساراناند / لیو اولمان
۴۱۴	دریغ و نوارش - ساراناند / مسعود فراستی

وقایع‌نگاری، فیلم‌شناسی، کتاب‌شناسی

۴۳۴	وقایع‌نگاری ریدگی و آثار
۴۴۸	فیلم‌شناسی
	کتاب‌شناسی خارجی

فانوس خیال

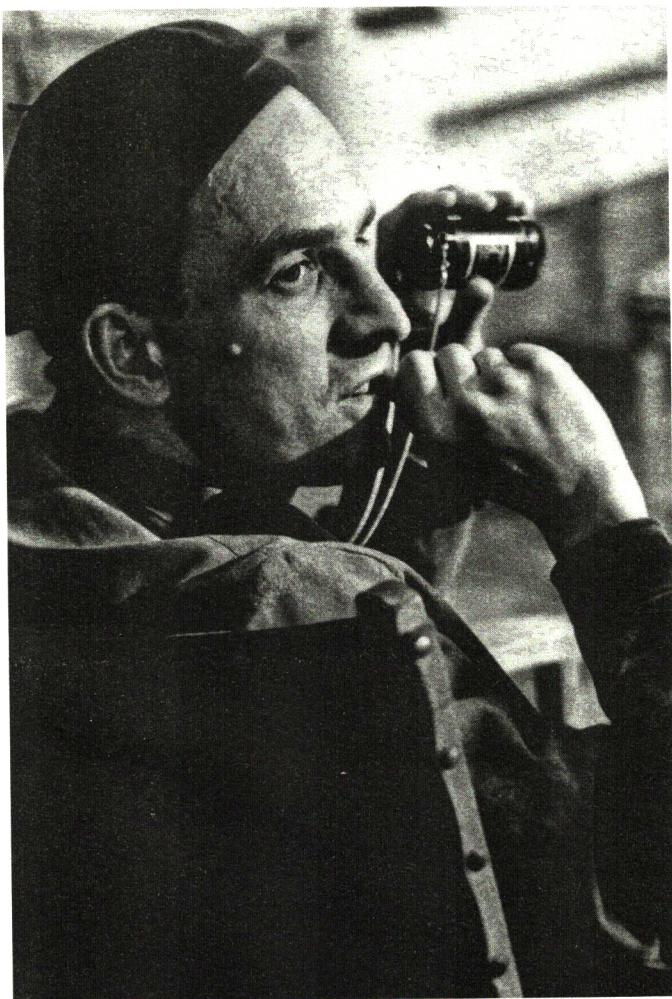
ایگمار برگمان

«فیلم به مثابه رویا فیلم به مثابه موسیقی هیج شکیلی ار هبر همچون فیلم- که مستقیم به عواطف ما و عمیق درون اتاق تاریک و روشش روح ما ر حبه می کند- ار ورای خود آگاهی معمول ما فراتر می رود؛ انقباضی کوچک در عصب باصره ما، اثری تکانه ای، ثابیه ای بیست و چهار قاب مسور و تاریکی میان آن ها و عصب باصره ای ناتوان ار ثت تاریکی

وقتی پشت میر تدوین، سوار فیلم را قاب به قاب مرور می کنم، هبور آن حس سحرآمیر گیج کنده کودکی ام در تاریکی گنجه لباس ها را احساس می کنم. به آهستگی ار قاب ها، یکی پس ار دیگری می گذرم، تغییرات غیر محسوس را مشاهده می کنم با دهر حرکت را تندتر می کند سایه های لال یا گویا، بدون طفره به سوی بهایی ترین اتاق مں می چرحد

فکر می کنم بر سال های اولیه زندگی ام که ناشادی و کنکاوی توأم بود و تحیل و حسیات مں در آن تعدیه می شد، تکیه دارم ار آن دوران هیچ چیز تیره ای به یاد دارم در واقع، روزها و ساعت ها ناشگفتی ها، مناظر غیر منتظره و لحظه های حادویی سپری می شد هبور می توانم در میان دورنمای کودکی ام گردش کنم و دوباره بورها، بوها، آدم ها، اتاق ها، لحظه ها، حرکت ها، آهنگ صداها و اشیاء را تجربه کنم «

ار کتاب فانوس خیال
ترحمه مهوش تاش، مسعود فراستی



تصویرها

ایگمار برگمان



«صادقانه می‌گویم که ناشادی و کحکاوی به دوران کودکی ام می‌اندیشم. تحلیل و حواسم از آن دوره تعدیه می‌شد و به یاد می‌آورم که بی‌حوصله شده باشم برعکس، روزها و ساعت‌هایم با اعجابی شگفت، ماطری غیرمستطره و لحطاتی حادویی سپری می‌شد. هبور می‌توانم در میان دورنمای کودکی ام گردش کنم و روشایی‌ها، عطرها، آدم‌ها، مکان‌ها، لحطه‌ها، حرکت‌ها، آهنگ صداها و اشیاء را از بودردهن خود بیافریم. این خاطره‌ها به بدرت معنای خاصی دارند، شبیه تکه فیلم، کوتاه یا بلند هستند، بی‌هیچ اشاره‌ای گویی از سر تصادف گرفته شده‌اند.»

این امتیاز، ویژه دوران کودکی است. حرکت ناآرادی کامل میان خیال و واقعیت، میان وحشت بی‌حد و حصر و شادی‌ای که گویی از درون می‌خواهد مفسر شود. هیچ مرری مگر چیرهای مسموع و مقررات در میان نبود، مقرراتی که چون سایه‌ها از اساس، غیرقابل فهم بودند. برای نمونه، می‌دانم که نمی‌توانستم مفهوم رمان را درک کنم. تو نباید یادگیری که وقت شناس باشی، به توسعه‌مچی داده‌اند، باید یادگیری که چگونه رمان را تشخیص دهی، اما رمان و خودنداشت تشخیص موحودیت در خیال و واقعیت برایم دشوار بود. اگر می‌کوشیدم، شاید می‌توانستم واقعیت را ناگریر کنم و واقعی بماند، اما آن‌گاه برای مثال، همیشه روح‌ها و روهاها و خود داشتند ناآن‌ها چه باید می‌کردم؟ «

ترجمه مهوش تانیش